هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم



در ایام ماه مبارک رمضان تلویزیون و رادیو ها به نام آزادی رسانه ها کاری نکنند که به قداست این ماه لطمه وارد کنند و برنامه های غیر اخلاقی و غیر اسلامی را پخش و نشر نکنند.

از فرموده های استاد شهید
درسمینار «استقلال و آزادي؛ محصول شهادت و ایثار»
٦ اسد ١٣٩٠ کابل

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (١٨) ٧ اسد ١٣٩١ ٩ رمضان المبارک ١۴٣٣ - 28 July 2012

نمایندگان مردم به داد مردم برسید!



• نذرالله عنایت

پارلمان افغانستان پس از تعطیلات تابستانی دوباره آغاز به کار کرد. در مدت یک ماه رخصتی، برخی نمایندگان مردم با مؤکلان خود در ولایات دیدن نمودند، مشکلات و نارسایی هایی زندگی مردم را از نزدیک به بررسی گرفتند. در تماسی که با چند تن از نمایندگان مردم ولایت بدخشان داشتم، در مجموع از وضع حاکم در بدخشان ناراض بودند و از فقر و بیچارگی مردم حرف زدند. خانم فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم بدخشان گفت: "با دیدن فقر در سیمای مردم بی نهایت خسته شدم". او افزود، عرضهٔ خدمات و زمینه های کار یابی به طور جدی پیگری نمی شود. این نمایندهٔ مردم گفت با آنکه ولایت بدخشان دارای منابع آب طبیعی می باشد، اما متأسانه مردم این ولایت در مرکز شهر فیض آباد دسترسی به آب صحی نوشیدنی ندارند چه برسد به دور دست ها. او به ناحیه رحمان آباد در حومهٔ شهر اشاره کرد و گفت، در این ناحیه نه آب است، نه مکتب است و نه کلینیک صحی.

در همین حالا صادقی زاده نیلی نمایندهٔ مردم دایکندی نیز از فقر و بیچارگی آن ولایت برایم قصه کرد. او گفت: با آنکه دایکندی یکی از ولایت های امن کشور محسوب می شود، اما دولت برنامهٔ کاری برای کاریابی و زدودن فقر ندارد. او در روز اول آغاز پارلمان از نبود راه ها و عدم دسترسی مردم به خدمات اساسی درآن منطقه دور افتاده شکایت کرد.

با آنکه پارلمان افغانستان به تازگی کار خود را پس از تعطیلات تابستانی آغاز نمود، اما به باید های مملکت به عنوان بخش این نظام، به اولویت های زندگی مردم باید توجه جدی نمایند.

شاخص امنیت:

در حال حاضر مشکل امنیت یکی از مباحث ضروری و گفتمان حاکم در بعدی ملی محسوب می گردد. ص٧



نسل کُشی مسلمانان در میانمار ص٢

بلند بردن نرخها بدور از انصاف و از جمله تهدیدهاست! ص٢

خشونت ها در بدخشان تاجیکستان مایهٔ نگرانی می باشد



طی روز های اخیر همسایهٔ شمالی ما کشور تاجیکستان شاهد نا آرامی ها بود. این نا آرامی ها در پی کشته شدن عبدالله نظراوف رئیس امنیت ولایت بدخشان آن کشور به وقوع پیوست. پس از کشته شدن آقای عبدالله نظراوف توسط شورشیان، دامنهٔ نا امنی ها به حومه های این شهر سرایت کرد. طبق گزارش های رسیده در درگیری های تاجیکستان به طرف های درگیر خسارات زیادی وارد شده، هم دولت و هم شورشیان مخالف که آمارشان به ده ها تن می رسد کشته و زخمی داده اند. گفته شده، در میان کشته شدگان زنان و کودکان نیز شامل میباشند.

در همین حال روز چهار شنبه تعداد زیادی از مردم بدخشان تاجیکستان در شهر خاروغ مرکز بدخشان در میدان مرکزی شهر تجمع کرده و از طرف های درگیر خواستند که به درگیری های نظامی پایان دهند. طبق یک خبر دیگر در حال حاضر درگیری ها پایان یافته و شهر در سکوت مطلق به سر می برد.

حامد کرزی رئیس جمهور در صحبت تلفنی که با رئیس جمهور تاجیکستان داشت، ضمن ابراز همدردی و تسلیت از بابت کشته شدن رئیس امنیت بدخشان و تعداد سربازان حکومتی، به آقای امام علی رحمن وعدهٔ همکاری داده و نیز به نیروهای امنیتی کشور دستور داده است که جانب دولت تاجیکستان را در خاموش ساختن درگیری ها کمک کنند. درگیری ها و نا امنی ها در حالی در کشور همسایهٔ ما زبانه کشیده است که افغانستان در این اواخر دستخوش یک سلسله ناآرامی ها در مناطق مختلف بوده است. بروز خشونت ها در آن سوی مرز نه تنها مایهٔ نگرانی مردم تاجیکستان، بلکه مردم افغانستان را نیز نگران ساخته است. این کشور طی سال های دهۀ نود میلادی، شاهد جنگ داخلی بود که خسارات هنگفتی را بر پیکر اقتصاد و توسعهٔ ملی وارد نمود. در آن زمان افغانستان نیز در یک جنگ فرسایشی و تحمیلی به سر می برد. اما دولت مردان آن زمان به رهبری استاد ربانی شهید و قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود، تلاش نمودند، با میانجیگری طرف های درگیر، به قطع جنگ داخلی این کشور همسایه کمک نمایند.

فراخوان

به مناسبت نخستین سالگرد پرواز خونین و ملکوتی پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی، رئیس جمهور سابق کشور و رهبر فرزانهٔ جهاد و مقاومت مردم افغانستان

سخنوران بزرگوار گرامی!

ضمن عرض ادب و احترام، بدینوسیله به اطلاع رسانیده می شود که: در نظر است از اولین سالگرد عروج ملکوتی و پرواز عارفانه و خونین رئیس جمهور سابق کشور، رهبر فرزانه و محبوب جمعیت اسلامی ، رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان از جانب جمعیت اسلامی و هواداران او درکابل و ولایات و همچنان درکشورهای مختلف جهان، طی همایش ها و محافل متعدد یادبود و گرامیداشت به عمل آید. یکی از برنامهٔ مورد نظر به ارتباط تجلیل از شخصیت آن فرید روزگار و شهید راه صلح، برگزاری محفل شعر است. از کلیه شعرای عزیز با کمال احترام تقاضا به عمل می آید تا محبت فرموده، یک کاپی از مرثیه ای را که بدین مناسبت سروده اند و یا به تازگی انشاء خواهند فرمود، الی اخیر ماه اسد به آدرس زیر ارسال فرموده، ممنون سازند. همچنان منتظر ارسال نوشته های شما در مورد استاد شهید هستیم تا در شمارهٔ ویژهٔ «مجاهد» بدین مناسبت، به نشر برسانیم.

با عرض ادب و حرمت
کمیسیون برگزاری اولین سالگرد شهادت
پروفیسور ربانی
کابل/ افغانستان
Mujahid1357@yahoo & hotmail.com
h.a.q.malikzad@gmail.co

دکنړ په سرحدي سیمو بمباری
او په هیواد کې رواني ناامنی

ن شفیق

دځلورو میاشتو راهیسې یوځل بیا د کنړ ولایت په سرحدي ولسوالیو کې نارۍ او دانګام باندې د پاکستاني پوځ لخوا د راکټي بریدونو لړۍ پیل شوې ده خو لاتر اوسه افغان دولت ته سپینه شوې نده چې دغه بریدونه دې ګویا د پاکستاني پوځیانو لخوا ترسره شوي وي: د افغان دولت ددې خبرې ثبوت د بهرنیو چارو د وزارت د ویاند مطبوعاتي کنفرانس وو چې یکې یې خبریالانو ته ویلي وو. چې: لومړي باید د پاکستان له خاورې ددې راکټي بریدونو صحت او سقم وڅېړل شي. خو بلې خواته د هیواد ولسمشر ٣مخ



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

بلند بردن نرخها بدور از انصاف و از جملهٔ تهدید هاست!

زمانی که تقاضا برای خرید مواد و اجناس مورد ضرورت شهروندان در کشور رونق پیدا نماید به خصوص در ماه مبارک رمضان و عیدین، فروشندگان بدون در نظرداشت وضعیت اقتصادی مردم، بی انصافانه قیمت ها را بلند می برند که به دور از انصاف است. در ماه مبارک رمضان که ماه دستگیری از مستمندان، ماه پرداخت زکات، ماه عبادت و ماه تزکیهٔ نفس است، گرانفروشی ظلمی است که عرضه کنندگان مواد و اجناس به مردم روا می دارند.

اکثریت مردم کشورما که در نبود زمینهٔ کار و اشتغالزایی و عایدات ناکافی، با وضعیت بد اقتصادی «زندگی بخور و نمیر» دارند. ، جنگ و ناامنی نیز تأثیر منفی اش را بالای اقتصاد مردم بجا گذاشته است. علاوه بر این چالش های که سر راه اکثریت مردم قرار دارد، دولت هم با پیگیری سیاست اقتصاد بازار آزاد که با وضعیت فعلی کشورما همخوانی ندارد، در کنترل قیمت ها عاجز به نظر می رسد که آگاهان امور در این امر نیز فساد اداری را دخیل می دانند. برخی شهروندان حتی توان به دست آوردن ابتدایی ترین مواد اولیه را به خصوص در ماه مبارک رمضان ندارند. شهید صلح استاد ربانی در یکی از سخنرانی های شان گفته بودند: «... بازار آزاد مقدس نیست، اصلاً مصالح مردم، منافع و حیات مردم مقدس است.»

با تکیه داشتن دولت بر اقتصاد بازار آزاد و بی توجهی اش در کنترل بازار، مردم دولت را مقصر امور می دانند که به شهروندان توجهی چندانی ندارد. در حالی که در بسیاری کشورهای اسلامی علاوه بر کنترل نرخ ها، به احترام ماه مبارک رمضان، نرخ ها پایین آورده می شود تا مستمندان توانایی بدست آوردن مواد اولیه را داشته باشند و این را خیر و ثواب می دانند اما در کشورما خیلی بی انصافانه در بلند بردن قیمت ها تلاش می شود!

برخی تجار ملی و صاحبان سرمایه که در بلند بردن قیمت های مواد و اجناس بازار نقش دارند، و ضربهٔ اقتصادی را به جامعه وارد می نمایند که مستمندان توان تهیهٔ افطاری را نخواهند داشت، هرگاه مساعدتی از جانب اینها به تعدادی صورت می گیرد، آنقدر قابل تمجید و تحسین نخواهند بود زیرا این صاحبان زر، جامعه را متضرر ساخته اند که این را هم می توان از جملهٔ تهدیدها خواند.

مطابق قانون وظیفهٔ دولت است تا در همه امور به یاری مردم بشتابد و در رفع تهدیدهای سر راه مردم تلاش بخرچ دهد. در غیر آن، بی باوری مردم نسبت حاکمیت بیشتر از پیش افزوده خواهد شد که این خود از جملهٔ تهدید هاست!

نسل کشی مسلمانان در میانمار

ابوبکر سبزوار



از مدتی بدینسو موضوع کشتار مسلمانان در میانمار توجه رسانه ها را به خود معطوف داشته است. مظالمی که بر اقلیت مسلمان در این کشور توسط بودائیان اعمال می شود، جنایت علیه بشریت است اما مدعیان دفاع از حقوق بشر در این رابطه به صورت جدی عکس العمل نشان نداده اند.

میانمار که سابقاً برما خوانده می شد، کشوری است در جنوب شرق آسیا که با کشور های چین، تایلند، لائوس، هندوستان و بنگلادش هم مرز است. این کشور دارای ۶۷۸۵۰۰ کیلومتر مساحت و ۴۰ میلیون جمعیت بوده و از نظر مساحت دومین کشور جنوب شرق آسیا به شمار می آید. هرچند میانمار دارای منابع مهم طبیعی است اما تداوم دیکتاتوری و حکومت نظامی و کشت تریاک موجب شد تا این کشور در انزوای بین المللی قرار گیرد و نظامیان با سوء مدیریت و فساد این کشور را از پیشرفت باز داشتند. به همین دلیل امروز میانمار از فقیرترین کشورهای جنوب شرق آسیا به شمار می رود.

برما از سال ۱۸۲۴ الی ۱۹۴۸ تحت سیطرهٔ استعماری بریتانیا قرار داشت. مانند بسیاری از کشور های استعمار زده که بعد از دوران استعمار به کام کودتا های نظامی افتادند، این کشور نیز به دنبال یک کودتای نظامی در سال ۱۹۶۲ تا به امروز به دست نظامیان اداره می شود و حکومت به ظاهر غیرنظامی نیز چیزی جز وسیلهٔ دست همین نظامیان نیست. ۸۰ درصد مردم اتحادیهٔ جمهوری میانمار پیرو آئین بودائی و باقی پیرو ادیان دیگر اند. جمعیت مسلمانان در میانمار بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون تخمین زده می شود.

دولت برما یا اتحادیهٔ جمهوری میانمار امروزی از سال ۱۹۵۹ الی ۱۹۶۱ طی یک برنامه، آئین بودائی را در این کشور رسمیت بخشید که امروز مذهب رسمی این کشور است.

اقلیت مسلمان میانمار که آنها را (راهنگیا) می خوانند، بیشتر در غرب این کشور و در ایالت راخین سکونت دارند که دارای زمین های خوب و مناسب برای کشت برنج است. گفته می شود که در سال ۱۹۲۰ میلادی نیم میلیون مسلمان هندی به این کشور رفتند. این افراد، در کشت برنج مهارت داشتند و توانستند تولید برنج را در منطقهٔ اراکان به نحو چشمگیری افزایش دهند. اما قبل از این مهاجرت هم دین اسلام مانند سایر کشور های جنوب شرق آسیا، توسط تاجران مسلمان و دعوت گران به این سرزمین رسیده بود و مسلمانان به شکل یک اقلیت کوچک در این کشور زندگی وجود داشتند.

از سال ۱۹۸۲ دیکتاتور های نظامی میانمار با سیاست قدیمی تفرقه اندازی به منظور تداوم حکومت شان، اعلام داشتند که راهنگیا ها شهروند این کشور نیستند. آنها یک قرن قبل به میانمار آمده اند و اکنون باید این کشور را ترک نمایند. یک هدف حکومت نظامی از این کار به دست آوردن حمایت رهبران مذهبی جامعهٔ بودائی بود که به صورت روزافزون از سلطهٔ نظامیان ابراز نارضایتی می کردند.

از جانب دیگر وضع نسبتاً بهتر اقتصادی راهنگیا ها موجب حسادت بودائیان بود. مسلمانان زمین های خوبی داشتند که از آن حاصل خوب به



دست می آوردند اما این زمین ها را آن ها با زور به دست نیاورده بودند بلکه با تلاش و کار خودشان آباد کرده بودند.

هرچند بودائیان در جهان در ظاهر به عنوان مردمانی صلح دوست شناخته شده اند که توان کنار آمدن با سایر اقوام و مذاهب در میان شان زیاد است، اما این فقط ظاهر قضیه است. گروه های افراطی بودائی به نام های «راخینز» و «ماگ» در میانمار، سال هاست که مردم را علیه مسلمانان تحریک می کنند.

در این اواخر به دنبال یک منازعهٔ شخصی میان یک بودائی و یک مسلمان، که به کشته شدن بودائی منجر گردید، این گروه های افراطی، بودائیان را به جنگ علیه مسلمانان فرا خواندند. در طی مدت کوتاه، ۲۰ روستای مسلمانان در منطقهٔ آراکان توسط مهاجمین بودائی به آتش کشیده شد و جمع کثیری از مسلمانان شامل زنان و اطفال و پیرمردان به قتل رسیدند. زنان مسلمان مورد تجاوز قرار گرفته و تعدادی از کسانی که اسیر شده بودند زنده در آتش سوزانیده شدند.

سازمان ملل متحد هم یک میلیون مسلمان برما را اقلیت تحت آزار دانست. دامنهٔ این جنایات حتی سازمان عفو بین المللی را واداشت تا واکنش نشان دهد و اعلام نماید که مسلمانان در غرب میانمار تحت فشار حکومت قرار داشته و سرکوب دولتی در این منطقه در جریان است. این مسئله خود نشان از یک دسیسهٔ بزرگ علیه اقلیت مسلمان میانمار دارد. یعنی در عقب گروه های افراطی بودائی، حکومت برما قرار دارد.

جالب اینجاست که خانم هان سانگ سوچی که رهبر حرکت دیموکراسی در میانمار به شمار می آید، بعد از مدت ها سکوت در این مورد فقط گفت که من نمی دانم مسلمانان تبعهٔ میانمار هستند یا نه؟

در طول سال های گذشته تعدادی از مسلمانان میانمار به کشور بنگلادش پناهنده شدند اما دولت بنگلادش هم آنان را مجدداً به میانمار رجعت داد. بنگلادش می گوید که توان پذیرفتن پناهنده را ندارد.

اخیراً علمای بعضی از کشور های اسلامی مسلمانان را به حمایت از مسلمانان تحت ستم در میانمار فرا خوانده اند و بعضی از کشور ها هم از دولت حاکم در میانمار خواسته اند تا جلو نسل کشی مسلمانان در این کشور گرفته شود اما تاکنون نتیجهٔ مطلوب از این خواست ها به دست نیامده و دولت میانمار می گوید راهنگیاها تبعهٔ میانمار نیستند. رهبران بودائی میانمار می گویند اگر مسلمانان در کشور های دیگر درمورد راهنگیا ها نگران اند، می توانند آنها را به کشور های خودشان منتقل سازند.

اجتماع جوانان حزب اسلامی

گرد همایی بزرگ و مژده های جدید

محمد نسیم فقیری

پنجشنبه ۲۲ سرطان ۱۳۹۱، اجتماع بزرگ جوانان حزب اسلامی افغانستان در خیمهٔ لویه چرگه دایر شد و حرف های مهم و مژده های جدید به مردم ما داده شد... در این اجتماع که شخصیت های بزرگ و شناخته شدهٔ حزب اسلامی در آن سخنرانی کردند. عبدالهادی ارغندیوال، محترم عبدالقدیر کریاب و مولوی جانباز سرفراز از رجال بسیار قدیمی و معروف حزب اسلامی اند که اکثر اعضای سابقه دار تنظیم های جهادی با نام این شخصیت ها، آشنایی دارند... محترم ارغندیوال در سخنرانی مهم شان به چند نکته مهم و تازه اشاره کردند:

– رد جنگ و درگیری و آمادگی برای تأمین صلح و تلاش در این زمینه

– نپرداختن به اختلافات و کشمکش های دیروز و دست باز به سوی همه برادران نهضت.

این یک پیام بسیار بزرگ و خوش آیند است. مردم ما باید امیدوار باشند که همه احزاب بزرگ و مطرح جهادی، برای صلح و آشتی آماده اند و هرگز نباید از درگیری گروه های یاد شده، آینده تشویش داشت.....

این صدای ما نیز است و رهبر شهید جهاد و مقاومت ، بارها و بارها این صدا را بلند کرده و از سال ها قبل از اخلاص روی آن تاکید داشتند. همه به یاد دارند که رهبر شهید جمعیت اسلامی و رئیس سابق دولت اسلامی افغانستان در ایام قدرت، اعلام کردند که حاضرند به کندهار بروند و با ملا محمد عمر آخوند مذاکره نمایند... همه به یاد داریم که رهبر شهید به حیث رئیس جمهور، نزد حکمتیار به ولسوالی بگرامی رفتند و او را به صلح و آشتی دعوت کردند... رهبر شهید با اقدام بزرگ و جرأت کامل، حاضر شدند تا در مراسم متمدنانهٔ انتقال قدرت، حاکمیت سیاسی را به فیصلهٔ اجلاس بن به حامد کرزی بسپارند و به صورت بی نظیر در تاریخ کشورما، همچنان به حیث یک شخصیت بزرگ جهادی و مردمی، در حالی که کدام سمت دولتی هم نداشتند در شهر کابل زندگی کردند و اقدامات حکومات را رد یا تأیید نمودند... رهبر شهید بالاخره حاضر شد تا ریاست شورای عالی صلح را بپذیرد و در اجلاس جمعیت اسلامی، دلایل زیادی را ارائه داشتند و گفتند که راه جهاد، فقط جهاد مسلحانه نبود بلکه، راه صلح و آشتی نیز یک راه مهم و در ادامه جهاد است...

رهبر شهید، همواره در جلسات جمعیت اسلامی ، ابراز امیدواری می کرد که همه گروه ها به شمول آقای حکمتیار به جریان صلح بپیوندند و کسی مخالف صلح و آشتی نباشد...

رهبر شهید، زمانی که در کشور نبودند و از آمدن هیأت حزب اسلامی حکمتیار به کابل و مذاکره با حکومت اطلاع یافتند، به کابل دستور دادند تا هرگز حرفی علیه گروه آقای حکمتیار در هفته نامه مجاهد ننویسند و امیدوار بود که مذاکرات گروه حکمتیار با دولت به نتیجه برسد....

این امیدواری رهبر شهید بار و بارها در جلسات خصوصی جمعیت و در شورای رهبری جمعیت، تکرار شده و همه جمعیتی ها و اعضای شورای رهبری از آن اطلاع دارند و همه با نظر ایشان موافق بودند و نظر همه بزرگان جمعیت در تایید نظر رهبر شهید بود و همچنان این نظر حاکم است.

ارغندیوال و افراد مهم حزب اسلامی متعلق به ایشان، نزد رهبر شهید می آمدند و حتی پس از شهادت رهبر، نزد محترم صلاح الدین ربانی نیز در عید اضحی آمدند و همه در مورد شخصیت و صفات رهبر شهید، سخن ها گفتند...

ما جمعیتی ها نیز به این پیام بزرگ و مهم حزب اسلامی به رهبری آقای ارغندیوال که تعداد کثیری از اعضای برجستهٔ حزب اسلامی در صفوف آن است، پاسخ مثبت و لبیک می گوئیم و آرزومندیم که همه نباید بر گذشته ها، کشمکش های قبلی تاکید کنیم و همه راه صلح و آشتی را در پیش گیریم و به برادری و اخوت اسلامی خویش همچنان ادامه دهیم.

باید گفت که روابط نسبتاً حسنه میان جمعیت اسلامی و حزب اسلامی حکمتیار حتی در دوران جهاد و هجرت نیز ادامه داشت و به طور مثال از شرکت آقای حکمتیار در حادثهٔ انفجار در کاشانهٔ بدر جمعیت اسلامی در سرک چهار سدهٔ پشاور باید یاد کرد که حکمتیار حتی شهدای جمعیت اسلامی را با دست خویش به خاک می سپرد و با جمعیتی ها با کمال اخلاص غمشریکی داشت...

همه به یاد داریم که در اجتماعات بزرگ گروه های جمعیت و حزب، همواره از افراد یکدیگر دعوت می شد و بنده سهمگیری و ابراز نظر خویش را در اجتماع راه حل بحران افغانستان در سال ۱۳۶۷ در بورد مشورتی حزب اسلامی در جادهٔ سید جمال الدین افغانی در تاون پشاور، چند بار نشر کرده ام.... همچنین در مشاعره ها و گردهمایی ادبا و شعرا نیز از یکدیگر دعوت می کردند و ده ها جلسهٔ مذکور با اشتراک به خصوص هر دو دایر شده و مطالب آن به چاپ نیز رسیده است...

همه به یاد داریم که در مراسم عروسی ها و فاتحه ها نیز رهبران و افراد مهم هردو گروه در محیط مهاجرت و بعضاً در داخل باهم جمع می شدند و صحبت ها و بحث ها صورت می گرفت... اختلاف جمعیت و حزب، هرگز مانند اختلاف عمیق و جدی سایر گروه ها نیست و هرگز دشمنی آشتی ناپذیر نبوده است و بسیار دیده شده که افراد این دو تنظیم از یکی به دیگری رفته و به آسانی پذیرفته شده اند... این ها همه از حقایق و واقعیت های تاریخی است و همه مجاهدین از این روابط خوب و جمع شدن ها، آگاهی دارند...

در اجتماع حزب اسلامی، مولوی جانباز سرفراز که از شخصیت های بسیار سابقهٔ نهضت است و حتی از زمان ظاهر شاهی در یک اجتماع، در شهر مهتر لام شرکت و سخنرانی کرده بود- در کنار برادران دیگر از ننگرهار و کنر – و ما همیشه روابط بسیار خوب و حسنه با هم داریم، در دعائیهٔ خویش باز هم به رهبر شهید شورای عالی صلح اشاره کرده و دعا کردند که خداوند بزرگ، شهادت استاد ما را قبول فرماید و برای او دعا کردند.

ما در حالی که با همه برادران در همه احزاب جهادی روابط خوب داریم و این خوبی روابط را از آغاز و دوران جهاد مسلحانه تا امروز حفظ کرده ایم، یک بار دیگر اطمینان می دهیم که پیام ما نیز پیام صلح و آشتی است و همه مجاهدین و همه کسانی برای مردم و کشورشان دلسوزی دارند، باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و با روحیهٔ برادری و در پرتو احکام دین مبین اسلام و احکام قانون اساسی کشور که طبق مادهٔ دوم آن، دین دولت افغانستان، دین مقدس اسلام است و هرگز قانونی مخالف اصول شریعت، نافذ نخواهد شد.... برای اعمار جامعهٔ نو افغانی و با گذشت و فراموشی از گذشته ها و اختلافات همه به حیث برادر و خواهر برای آبادی و سرافرازی وطن خویش، خدمت نماییم.

ما در حالی که با همه برادران در همه احزاب جهادی روابط خوب داریم و این خوبی روابط را از آغاز و دوران جهاد مسلحانه تا امروز حفظ کرده ایم، یک بار دیگر اطمینان می دهیم که پیام ما نیز پیام صلح و آشتی است و همه مجاهدین و همه کسانی برای مردم و کشورشان دلسوزی دارند، باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و با روحیهٔ برادری و در پرتو احکام دین مبین اسلام و احکام قانون اساسی کشور که طبق مادهٔ دوم آن، دین دولت افغانستان، دین مقدس اسلام است و هرگز قانونی مخالف اصول شریعت، نافذ نخواهد شد.... برای اعمار جامعهٔ نو افغانی و با گذشت و فراموشی از گذشته ها و اختلافات همه به حیث برادر و خواهر برای آبادی و سرافرازی وطن خویش، خدمت نماییم.

د کنړ په سرحدي سیمو بمبارۍ...

بیا وایي چې د افغانستان دولت دغو بریدونو ته بالمثل ځواب ځکه نه وایي چې د پولي هاغاړي هم پښتانه (هغه خلک چې د افغانستان اوسیدونکي ګڼل کیږي) اوسیږي.

د ولسمشراو د بهرنیوچارو د وزارت د ویاند څرګندوني که په ظاهره کې تکړ لري خو له دواړو څرګندونو څخه د افغانانو نېك نیتي معلومیږي چې د ګاونډي هیواد پاکستان په هکله یې لري. مګر دا څرګندوني پداسې حال کې رامینځته کیږي چې د کنړ والي په څو ځله ددې پخلی کړی دی چې راکټي بریدونه د پولي هاغاړي څخه راځي او تردا مهاله ددغو بریدونو شمیره نږدې یوتیم زره توغندیو ته رسیدلې ده چې د آزادي راډیو دخبرله مخې یوازې د تیرې سه شنبې په ورځ سل بریدونه ترسره شوي دي او د ځنو رسنیو د معلوماتو له مخې په لسګونو وګړي ورسره ټپیان شوي یا شهیدان شوي هم دي او لامله یې یوتیم زر کورنۍ دې ته اړشوي دي چې خپل کورونه پریږدي او چېرې بلې سیمې ته کډه وکړي. د همدغو بې تفاوتیو په نتیجه کې تېرکال د چنګابښ په میاشت کې د سرحدي ځواکونو مشر جنرال امین الله امرخیل خپله استعفاء هم ورکړیوه.

اوس پوښتنه داده چې که چېرې دافغانستان ددولت سره دا جوته نه وي چې دغه بریدونه پاکستاني پوځ ترسره کوي. پداسې حال کې چې دغه بریدونه دیوې ورځې یا اونۍ خبره هم نده؛ بلکې له څلورو میاشتو راهیسې پیل شوي دي نو اخیرخوك کېداې شي چې داسې بریدونه ترسره کوي؟ باید د سیمې دواړه ګاونډي هیوادونه یې په خپلو ګډو ناستوکې په ګوته کړي اوښایي دقغانستان، پاکستان او انګلستان د مشرانوپه درې اړخیزه ناسته کې هم پدې هکله یادونه شویوي؛ چې څو ورځې مخکې په کابل کې ترسره شوه. دلته یوشی د یادونې وړ دی چې ټول افغان ولس دکرزي صیب په څیر افغانیت د خپلو مجبوریتونو څخه نه قربانوي: کېدای شي ولسمشر کرزی په خپل تیرسیاسی ژوند کی داسی څه کړی اوسي چې لامله یې د پاکستان په وړاندې تنده لهجه کارول ورته مناسب نه ښکاري او یاد هغوی له پېرزوینو؟ څخه برخمن شوي وي چې اوس یې په وړاندې د افغاني دریځ نیولو څخه عاجز دی. خو د پاکستان دولتي مقامات او په خانګړې توګه پوځي کړی باید د افغانانود صبر د امتحان اخستلو څخه ډډه وکړي: که د پاکستان دولتي مقاماتو د افغانانو سره د ورورګلوی او نېك ګاونډیتوب لاره خپله کړې وای او د څه د پاسه دېرش کلنې افغاني ربړې په ابعادوکې یې سمې (د ورورۍ او ګاونډیتوب) پالیسی غوره کړې وایې نن به افغانانو کله هم هندوستان له پاکستانه زیات دوست نه ګاڼه؟ ځکه افغان ولس مسلمان ولس دی او د پاکستان سره د هندوستان په پرتله د دوستۍ د اړیکو ډیر عوامل او مشترکات لري خو د مجاهدینو د بري په مهال حضرت صیب ته د واك د انتقال په غونډه کې د اکرم ذکي د یوې متکبرانه جملې څخه چې (نور باید افغانان خان د تېر په څیر خپلسري ونه ګڼي) د پاکستان د نیت معلومیدل او همدارنګه بیا وروسته د پاکستان وروستیو یو د بل پسې دریځونو او پالیسیو هغه افغانان هم خپه کړل چې د پاکستان هره ګټه ورته د خپل هیواد په ځېرخپله ګټه ښکاریدله، اوس هم وخت دی، په تریګنیو او خودغرضیو ګاونډیتوبونه خرابیږي؛ دواړه ګاونډي هیوادونه بایدیو د بل مجبوریتونه درك کړي او هغه د چا خبره یې تا مې زور نه رسیږي مر به دې پلارکړمه) پالیسی باید غوره نشي، هغسې کړنې باید دغه دواړه ګاونډي هیوادونه ترسره نکړي چې ولسونه یې نورې هم فاصلې پیداکوي.

همدارنګه د پولې هاغاړې اوسیدونکي باید هم خپل چارواکي سمو او رغندو کړنو او پالیسیو ته وهڅوي؛ که افغانستان د یو خپلواکه اوپیاوړي ګاونډي هیواد په توګه ونه منلی شي او هغه لاملونه ختم نکړای شي چې لامله یې د افغانستان اوسني دولت خینو خطرناکو ستراتیژیکو تړونونو ته اړ کیږي نو په سیمه کې روانه ناامني او جګړه نه د پاکستان په ګټه ده او نه هم دافغانستان په ګټه او راتلونکي ولسونه او تاریخ به هیڅ ظالم معاف نکړي. د خپلوغرضونو لپاره د نړۍ جګړې خپلې خاورې او سیمې ته راوړل اویا ګاونډي ناآراموول دغوږ دګټلو او سترګې بایللو په معنی دي باید چې عبرت ورڅخه واخستل شي.

چند نمونه از مضامین مشترک در فارسی دری و عربی ۳

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

در محاضرات الادباء در مورد پنهان نگهداشتن راز آمده است: فلا تفش سرک إلا الیک، فان لکل نصیح نصیحاً "راز خود را جز خود فاش مکن، چه همانا هر دوست خیر خواه و صمیمی، دوست صمیمی دارد. و نیز مثل "کل سر جاوز الا ثین شاع" هر راز که از بین دو تن تجاوز کرد، شاع شد. و در کلیه و دمنه این بیت این مفهوم را می رساند:

فظن بسائر الاخوان شرا
و لا تامن علی سر فوادا

" به همه دوستان گمان بد ببر؛ ولی هیچ دلی را بر هیچ رازی امین مشمار". و سعدی در گلستان آورده است: راز که پنهان خواهی با کس در میان منی و گر چه دوست مخلص باشد که مرا آن دوست را نیز، دوستان مخلص باشد " و در مواعظ آمده است:

به دوست گرچه عزیز است، راز دل مکشای
که دوست نیز بگوید به دوستان عزیز

و فردوسی نیز سروده است:

سخن هیچ مسرای با راز دار
که او را بود نیز انباز و یار

سعدی و متنبی هر دو یک مضمون مشترک را پرورانیده اند.

از متنبی:

ان العدو و ان ابدی مسالمه

اذا رای منک یوماً فرصه و ثبا

"همانا دشمن اگر آشتی و صلح از خود نشان دهد، هر گاه روزی از تو فرصتی یابد، برجهد و حمله آورد" و سعدی در گلستان آورده است:

دشمن چو بینی ناتوان، لاف از برود خود مزن
مغزی است درهر استخوان، مردی است در هر پیراهن

و یا سعدی در گلستان آورده است: بر عجز دشمن، رحمت مکن که اگر قادر شود، بر تو نبخشاید.

دعوای عقل نمودند در میان شعراء عرب و فارسی زیاد دیده می شود؛ طوری که متنبی گفته است:

کد عواک کل یدعی صحهٔ العقل
و من ذا الذی یدری بما فیه من جهل؟

" ای ملامت گر، هر کسی ادعای درستی عقل خود را دارد، چنان که تو مدعی آن هستی و کیست که از نادانی خویش با خبر باشد؟" و سعدی در گلستان گفته است:

گر از بسیط زمین، عقل منعدم گردد
به خود گمان نبرد، هیچ کس که نادانم

در موردی تامل و دور اندیشی بین شاعران هر دو زبان مضامین مشترک فراوان وجود دارد و مردمان را از شتاب زدگی در کار ها بر حذر می سازد؛ طوری که القطامی سروده است:

قد یدرک المتانی بعض حاجته
و قد یکون من المستعجل الزلل

" چه بسا که آهسته کار به برخی از نیاز های خود برسد و از شتابزده اغلب خطا و لغزش دیده می شود" و سعدی در گلستان آورده است:

"کار ها به صبر براید و مستعجل به سر در آید"

ابو الفتح بستی سروده است:

فان لم تجد قولا سدیدا تقوله
قصمتک عن غیر السداد سداد

" اگر سخن درست و استواری نیافتی که بگویی، سکوت تو از سخن نادرست، درست و صواب است" و نظیر این مضمون را سعدی سروده است:

چون نداری کمال و فضل آن به
که زبان در دهان نگهداری

در دیوان ابن المعتز این ابیات آمده است:

فان فرصه امکنت فی العد
و، فلا تبد فعلک الا بها
فان لم تلج بابها مسرعا
اتاک عدوک من بابها

" اگر فرصت چیرگی بر دشمن دست داد، به کار دیگر مپرداز؛ چنان چه به شتاب به درون نروی؛ هر گاه از این فرصت به شتاب بهره گیری، دشمنت از آن در، وارد می شود و از آن سود می جوید". و سعدی در گلستان خویش نیز آورده است:

" هر کی را دشمن پیش است، اگر نکشد، دشمن خویش است"

و در امثال و حکم نیز آمده است:

دشمن چو به دست آمد و مغلوب تو شد
حکم خرد آن است امانش ندهی

و یا:

دلاور چو از بیشه بگرفت شیر
نشان ده کجا زنده ماندش دیر
و گر مهر بر خسته شیر آورد
همان شیر او را به زیر آورد

فرزدق شاعر دوران اموی چنین گفته است:

و قد یملا القطر الانـاء فیفعم " هر اینه قطره ها ظرف را پر می کند؛ پس سر شار می شود"

و شاعر دیگری گفته است:

و اول ما یکون الغیث طلا
و یکثر ودقه فیصیر غیشا

"باران سیل آسا در آغاز کوچک و قطره قطره است که بعدا قطره های آن بسیار زیاد می شود و به سیل تبدیل می گردد"

ناصر خسرو در این مورد مضمون مشترک خلق نموده است:

اندک اندک علم یابد نفس چون عالی بود
قطره قره جمع گردد وانگهی دریا شود

و سعدی در گلستان چنین گفته است:

" اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی شود"

و یا:

حذر کنید ز باران دیده سعدی
که قطره، سیل شود، چون به یک دیگر پیوست
حقیر تا نشماری تو آب چشم فقیر
که قطره قطره باران چو با هم آمد، جوست

در امثال عرب می خوانیم:

کل اناء یترشح بما فیه " از هر ظرفی، آنچه در آن است، تراوش کند"

که این نمونه ها در اشعار شاعران بزرگی فارسی و عربی آمده است و در کلیله و دمنه به تصحیح عبدالعظیم قریب آمده است:

و کل اناء بالذی فیه یرشح
و ینبی الفتی عما علیه انطواوه

"از هر ظرف، آنچه در آن است، تراوش می کند و جوان خبر می دهد از آنچه سرشت وی بر آن است"

و در فارسی نیز ضرب المثل است: " از کوزه همان برون طراود که در اوست".

ناصر خسرو چنین سروده است:

خردمندی و نعمت خورد، شکرانش باید کرد
زیرا که سبوی سرکه جز سرکه نیاغازد
از هر چه سبوی پر کنی از سر وز پهلوش
زان چیز برون آید و برون دهد آغاز

در امثال و حکم آمده است:

خالی از خود بود و پر از عشق دوست
پس ز کوزه آن طراود که اندر اوست

و یا:

گر دایره کوزه ز گوهر سازند
از کوزه همان برون طراود که در اوست.

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل



زندگی یا محمل کش آرزوها

زند گی محمل کش وهم دو عالم آرزوست
میتپد درهر نفس صد کاروان با نگ درا

تصویرعمومی:

در بارهٔ زنده گی چه میتوان گفت؟ چه تعریفی را میتوان در توضیح زنده گی ارائه داشت؟

بی پیرایه ترین تعریف زنده گی نفس کشیدن است، که این تعریف برای ما که انسان هستیم، چیزی را افاده نمیکند. زیرا تمام زنده جا نها زنده گی میکنند ونفس میکشند وانسان که دارای عقل وشعور است وخلیفهٔ خدای جل جلاله در زمین، زنده گی اش به نفس کشیدن خلاصه نمیشود. پس در رابطه با انسان چگونه تعریف جامع وما نعی را برای زنده گی ارائه کرد؟

هر طا یفه وگروهی به اساس دیده گاه وبرداشتهای خویش تعریفی از زنده گی به عمل آورده اند، که تا اندازه یی درست وبه جا هم هست. این تعدد تعاریف وتنوع شنا سنا مه های زنده گی ازاین اصل نا شی شده است، که زنده گی دارای ابعا د وزوایای گونا گونیست وهر کس ازیک بعد و زاویه ای در زنده گی نگاه کرده وتعریفی ازآن به عمل آورده است. از نظر یک تا جر حرفه ای زنده گی؛ عبارت از تجارت است. از نظر یک فقیر دردمند زنده گی یعنی سراسر رنج واندوه. ازنظرحکما وفلاسفه، زنده گی لحظه ایست بین دو عدم.

اما حضرت بیدل رح چنان تصویری از زنده گی ارائه میکند که شا مل تمام زوایا و ابعاد زنده گیست. زیرا تعریف گونا گونی که قبلاً تذکر یا فت همه نا شی از یک زاویهٔ زنده گی است که فرد ویا گروهی نظر به سلیقه وآرزوی خاص خود از همان بعد به تعریف زنده گی پرداخته است. اما بیدل رح با پرداخت تعریف فلسفی خویش همه تعا ریف مذکور را در تعریف زنده گی شا مل سا خته است وبه آن یک شکل کلی وعمومی را که لازمهٔ تعریف فلسفی است، بخشیده است. درعین حال این تعریف فلسفی را با مهارت خاص، رنگ شا عرانه نیز داده است، که بر اُبهت وجلال آن افزوده است.

الفاظ و کلمات:

ابوالمعا نی بیدل رح در ترکیب جملات و تنسیق کلمات به فیض معنویت وقوهٔ قریحه یی که دارد، نا بغه وممتاز است. هر کلمه از ابیا تش به نحوی ازانحا متضمن نکته یی ویا مبالغه یی است که در وسعت وجولان مفهوم شعر میا فزاید.

کلمات«زنده گی» عالم، آرزو، نفس ووهم» کلماتیست که دارای بیشترین بار شا عرا نه بوده ودرعین حال با همدیگرارتباط نزدیک دارند وبدینوسیله صنعت مراعات النظیر را تشکیل داده است.

استعمال کلمهٔ«وهم» درمصراع اول بیت مذکور متضمن نکتهٔ ظریفی است واین اصل را افاده میکند، که بسا آرزوهای د نیوی انسان جز وهم و خیال بیش نیست وبنی آدم برای وصول به این آرزوهای وهمی و خیالی چه کشقات وتکالیفی راکه تحمل نمیکند وچه جنا یتها وتجا وزهایی را که مرتکب نمیشود.

ترکیب«دوعالم» مانند ترکیب«صد کاروان، صد نیستان ناله، یک آسمان ستاره ویک چمن گل» به حیث واحد مقدار استعمال گردیده است و مبالغهٔ نهایت زیبا ولطیفی را افاده میکند وهر گاه ترکیب دو عالم را به معنی حقیقی آن با صرف نظر از اعتبار واحد مقداری اش استعمال کنیم باز هم از لطف آن نکا سته ایم. زیرا زنده گی انبا شته از آرزوهای د نیوی واخروی است.

مفهوم تفصیلی:

حضرت بیدل زنده گی را با ابراز نظر کلی وفلسفی خویش چنین تعریف میکند:

زنده گی عبارت ازمحمل کش ویا بارکش دوجهان خیال ووهم آرزوها ست. یعنی آرزوها یی که مقدار آن به اندازهٔ آرزوهای دوعالم است ویا این که زنده گی عبارت ازحمل خیالات وآرزوها بیست که درهردو عالم مربوط است. یعنی آرزوهای د نیوی واخروی.

پس بار زنده گی از بار صد ها کا روان بیشتر است. بناءً درهرنفسی که گرفته میشود، درحقیقت چنان با نگ جرس ودرا درآن می پیچد، که مقدار آن به اندازهٔ با نگ جرس صد ها کاروان است.

خلاصهٔ مفهوم:

زنده گی به منزلهٔ همان با رکشی است، که وهم وخیال آرزوهای دو عالم بالای آن باراست.

وچون بار این بارکش ازمحمولهٔ صد ها کاروان بیشتر است. بناءً فی الحقیقت به اندازهٔ صد ها جرس از هر نفس ولحظهٔ زنده گی میتوان شنید.

چند بیت دیگر از غزل مذکور:

داغم از سودای خام غفلت و وهم رسا
اوسپهر ومن کف خاک او کجا ومن کجا
عجز را گر درجناب بی نیازیها رهیست
این قدر ها بس که تا کویت رسد فریاد ها
هر که را الفت شهید چشم مخمورت کند
نشه انگیزد زخا کش گرد تا روز جزا

شهادت و نماد پردازی در شعر

نوشتهٔ ع – ملکزاد

به ادامهٔ شمارهٔ گذشته

... سری هم به دیوان حافظ شیرازی می زنیم که ببینیم از دمیدن گل بر سر تربت خویش چه گفتنی ای دارد:

به عشق روی تو روزی از جهان بروم
زتربتم بدمد گل سرخ به جای گیاه.

گفتیم: گل هایی که به رنگ سرخ جلوه می ارایند، عموماً افاده کننده عشق آتشینند و یادگار خون کشته شدگان در راه هدف مقدس! گزافه نگفته اند آنانی که مدعی اند: هرچه رنگ قرمز تیره ترگردد، غم افزاتر می شود و هرچه قرمزبه سوی سرخ شدن و زردی و نارنجی شدن بگراید، نمادی می شود از"شور" و"مستی" و نماد "خشم" و"دلیری"....!

از این نیز باید گفت که: چنین گل ها در بسیاری از کشورها به شکل گسترده مورد توجه قرار دارند، به گونهٔ مشخص ترمی توانیم گفت: لاله که نماد سرسبزی کشور هالند است و چنانچه قبلاً گفته آمدیم: لاله در ایران بعد از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از نماد ها جلوه گرگشت و درکشور خودما هم "میلهٔ گل سرخ" شهرت زیادی دارد که همه ساله در آغازین بهار سال هجری- آفتابی از آن در مناطق شمال وبه طور اخص در بلخ باستانی تجلیل به عمل می آید. " میلهٔ گل انار" در قندهار نیز معروف است و" گل نارنج" در ننگرهار!

نکتهٔ جالب اینکه مردم ما وکشور همسایهٔ ایران و.... هنگام فرارسیدن بهار که نوروزش خوانند- هرچند صبغهٔ شرعی ندارد- به مصداق گفته پدر معنی ها:

"بهار نامه یاران رفته می آرد
گلی که وا کند آغوش در برش گیرید"

برسر مزار رفتگان شان حضور می یابند و طرفه اینکه می نگرند فرازگور وابسته یا شهید شان درکنار سبزه، گل هایی به رنگ سرخ وزرد و... روئیده،و گل های سرخ عمدتاً از جنس لاله است و یا شقایق...؛ آنگاه زایران را این فرموده بیدل در ذهن تداعی می گرددکه:

نقش پای رفتگان صفرکتاب عبرت است
دیده هرجا حلقه می یابد به گوشم می رسد

ویا:

عبرت مرگ کسان سلسله خجلت ماست
رشته ازهرکی شود باز به ما می پیچد.

طوری که می دانیم گل ها در ادوار مختلف دارای معانی متفاوتی بوده و"دانستن آنها و یا استفاده به موقع از مفاهیم آنها در بهبود ارتباط حایز نقش موثر می باشد."

برخی ازکشورها گل را به عنوان نماد ملی نیزپذیرا شده اند که از آن به نام " گل ملی" نیز نام برده شده است. " گل ملی" اکنون در حدود یکصد کشور جا پیداکرده و به گفته «ویکی پیدیا» درکشورهایی نظیرکانادا، آلمان و لبنان یک درخت نماد ملی گیاهی عرض اندام نموده است. در ایران پس از انقلاب چهار نوع گل در قالب گل ملی جایگاه یافت که لاله یکی از آن گل ها می باشد. گل لاله، نماد محبت و دوستی نیز عنوان شده. حافظ شیرازی سروده است:

زحسرت لب شیرین هنوز می بینم
که لاله می دمد ازخون دیدهٔ فرهاد.

همانگونه که گل شقایق، علاوه از مفهوم امید وآرزو و عشق، " نشانه ای از عشق شورانگیز عاشق به معشوق و نشانهٔ تپیدن های قلب" را ارائه می دهد. این جمله یا بریده ای از شعر معروف سهراب سپهری: (تا شقایق هست زندگی باید کرد) مبین جملهٔ فوق است. یعنی شقایق معنای امید را می دهد که نبایدش از دست داد و به گرداب یأس دست و پا زد. نیز می شود گفت: خون رمز تحرک و زندگی است؛ تا خون در شریان جاری نباشد، امیدی برای زندگانی نیست.

بیاییم گره از زلف نکتهٔ جالب دیگری نیز بکشاییم و آن اینکه: شقایق رمزیست از شهادت؛ و نایل شدن به مقام والای شهادت در فرهنگ قرآنی به معنی نایل گردیدن به زندگی جاوید است.

در قرآن مجید، حدود ده آیه به صورت صریح دربارهٔ کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده ا ند، موجود می باشد که یکی از آنها عبارت از زنده بودن شهید است؛ رزق شهید، آمرزش گناهان شهید، ضایع نشدن عمل شهید، مسرت و خوشحالی شهید، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید، از پهلو های دیگری است که شهدا از آن ها برخوردار می باشند.

دستور قرآن برای ما در مورد اینکه شهدا همیشه زنده اند، نباید مرده شان بخوانیم، چنین است: (و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانی هستند، بلکه آنان زنده و در بارگاه پروردگارشان بهره مندند.)

آری، به مصداق گفته پژوهشگری: "شهید همواره زنده است و مرگ او در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات پشت پرده آن می باشد."

سهراب سپهری درآن جملهٔ زیبا و عرفانی خود « تا شقایق هست زندگی باید کرد» به ما می آموزد که: امید زندگی را از دست نباید داد و تحت هرشرایطی در رکاب او باید زیست، آری عاشقانه باید زیست که زندگی بدون عشق ومحبت ناقص است. زندگی زمانی معنا پیدا می کند که امید و محبت را در خود داشته باشد.

چه زیبا سرده است مجتبی کاشانی ملقب به " سالک"، و چه تعریفی شیرین دارد از عشق این سخنور خوش بیان:

ای که می‌پرسی نشان عشق چیست
عشق چیزی جز ظهور مهر نیست
عشق یعنی مهر بی‌اما، اگر
عشق یعنی رفتن با پای سر
عشق یعنی دل تپیدن بهر دوست
عشق یعنی جان من قربان اوست
عشق یعنی دشت گلکاری شده
در کویری چشمه‌ای جاری شده
یک شقایق در میان دشت خار

باور امکان با یک گل بهار
عشق یعنی روح را آراستن
بی‌شمار افتادن و برخاستن
عشق یعنی زشتی زیبا شده
عشق یعنی گنگی گویا شده
عشق یعنی اینکه انگوری کنی
عشق یعنی اینکه زنبوری کنی
عشق یعنی گل بجای خارباش
پل بجای این همه دیوار باش
عشق یعنی یک نگاه آشنا
دیدن افتادگان زیرپا
زیرلب با خود ترنم داشتن
برلب غمگین تبسم کاشتن
عشق، آزادی، رهایی، ایمنی
عشق، زیبایی، زلالی، روشنی
عشق یعنی مرغهای خوش نفس
بردن آنها به بیرون از قفس
عشق یعنی برگ روی ساقه‌ها
عشق یعنی گل به روی شاخه‌ها
عشق یعنی جنگل دور از تبر
دوری سرسبزی از خوف و خطر
آسمان آبی دور از غبار
چشمک یک اختر دنباله‌دار
عشق یعنی از بدیها اجتناب
بردن پروانه از لای کتاب
در میان این همه غوغا و شر
عشق یعنی کاهش رنج بشر
عشق یعنی تشنه‌ای خود نیز اگر
واگذاری آب را بر تشنه‌تر
عشق یعنی ساقی کوثر شدن
بی‌پرو بی‌پیکر و بی‌سرشدن
عشق یعنی خدمت بی‌منتی
عشق یعنی طاعت بی‌جنتی
گاه بر بی‌احترامی احترام
بخشش و مردی به جای انتقام
عشق را دیدی خودت را خاک کن
سینه‌ات را در حضورش چاک کن
عشق یعنی مشکلی آسان کنی
دردی از درمانده‌ای درمان کنی
عشق یعنی خویشتن را گم کنی
عشق یعنی خویش را گندم کنی
عشق یعنی خویشتن را نان کنی
مهربانی را چنین ارزان کنی
عشق یعنی نان ده و از دین مپرس
در مقام بخشش از آئین مپرس
در تنور عاشقی سردی مکن
در مقام عشق نامردی مکن
لاف مردی می‌زنی مردانه باش
در مسیر عاشقی افسانه باش
در پناه دین دکانداری مکن
چون به خلوت می‌روی کاری مکن
عشق یعنی ظاهر باطن‌نما
باطنی آکنده از نور خدا
عشق یعنی عارف بی‌خرقه‌ای
عشق یعنی بنده بی‌فرقه‌ای
عشق یعنی آن چنان در نیستی
تا که معشوقت نداند کیستی
عشق یعنی جسم روحانی شده
قلب خورشیدی نورانی شده
عشق یعنی ذهن زیباآفرین

آسمانی کردن روی زمین
هرکه با عشق آشنا شد مست شد
وارد یک راه بی بن‌بست شد...!

به این بیت زیبای سعدی شیرازی نیز عطف عنان کنیم که وی نیز تعریف و تعبیر دلنشینی دارد از زندگی (زندگی واقعی)، و هم زندگی ابدی که همانا شهادت است، شهادت در راه خدا که اطلاق "مردن" را برنمی تابند. ترجمه: (بلکه زندگانی اند که ازنزد پروردگار شان روزی می خورند):

زندگی زیباست ای زیبا پسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنقدر زیباست این بی بازگشت
کز برایش میتوان از جان گذشت

پس" تاشقایق هست زندگی باید کرد" و به گونه گل زیبای شقایق، از میان باغ ها رست، از سینه دشت ها و از دل سنگ و صخره باید سرکشید و چنان آن گلی که " به امید آب باران چشم به آسمان می دوزد" سنگ نومیدی را شکست و با مشکلات در افتاد، که شقایق گونه بودن و مایوس نزیستن نیز نشانهٔ خوبی است از امید و زندگی.

بحث ما کمی به حاشیه گرایید. موضوع سخن ما ازگل بود، گل گونه زیست و خار را – که نمادی از رنج و نومید و غم است...– از سر راه برداشت و با افزودن این جمله:

که گل سرخ از هرنوعی که باشد در مجموع نشان عشقی است آتشین، عشقی که عاشق می خواهد خود را در میان شعله های فروزانش فنا بسازد و از آن جمله گلی به نام میخک، (میخک قرمزپررنگ) نشانگر عشق و احساسات بسیار عمیق خوانده شده است.



بحرین و کویت:

حزب وفاق اسلامی بزرگترین حزب شیعیان کشور کوچک عربی بحرین است که جامعه شیعه اکثریت باشندگان این کشور را تشکیل میدهند. همچنان احزاب دیگر چون: جمعیت عمل اسلامی ، حزب وعد دومین حزب شیعه در این کشور محسوب میشود. این احزاب با تأثیر از جنبش بهار عربی در سال ۲۰۱۱ به تظاهرات خیابانی علیه حکومت سنی مذهب دست زدند اما جنبش اعتراضی آنها به کمک نیروهای عربستان سعودی توسط دولت بحرین سرکوب شد.

در کشور کویت ائتلاف ملی اسلامی و ائتلاف عدالت و صلح دو حزب سیاسی اسلامی جامعه شیعه است. احزاب شیعه در این کشور با دولت سنی کویت روابط نزدیک دارند.

۳- سایر کشورهای اسلامی:

تحریک فقه جعفریه پاکستان مهم ترین حزب اسلامی در جامعه شیعه پاکستان است که در سال ۱۹۷۹ عیسوی تشکیل شد. در اساسنامه حزب مذکور تشکیل نظام اسلامی و قانونگذاری بر مبنای تمام مذاهب اسلامی موجود در پاکستان به خصوص اجرای فقه جعفری برای شیعیان کشور اهداف اصلی حزب خوانده میشود. پس از ترور عارف حسینی رهبر حزب مذکور در آگست سال ۱۹۸۸ رهبری این حزب را سید ساجد نقوی بدوش دارد که شورای عالی و شورای مرکزی حزب مذکور را ریاست میکند.

سپاه محمد یکی دیگر از احزاب شیعه پاکستان است که در سال ۱۹۹۰عیسوی به عنوان یک سازمان سیاسی- نظامی ایجاد شد تا با گروه های اسلامی سنی پاکستان بمقابله برخیزد.

در میان جامعه ۱۶۰ ملیونی هندوستان شیعیان این کشور که بیش از بیست ملیون تخمین میشود احزابی چون: اتحاد مسلمین هندوستان، انجمن شرعی شیعیان، انجمن علما و واعظین و شماری از سازمانهای دیگر گروه های اسلامی شیعه را تشکیل می دهند.

تنوع و افتراق اندیشه در نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی:

در طول سده بیستم که نهضت اسلامی به عنوان یک جریان دینی- سیاسی به ویژه با تأسیس اخوان المسلمین مصردر سال ۱۹۲۸ عیسوی شکل گرفت، افکار مختلف و حتا متضاد بر سر تعبیر و قرائت از نظام و حکومت اسلامی و شیوه های تشکیل آن از درون نهضت سر برآورد. هر چند که در رسانه های غرب و در میان مخالفان و حتا موافقان نهضت اسلامی این جریان با نام های بنیاد گرایی اسلامی، اسلام گرایی، اسلام سیاسی، افراط گرایی اسلامی و غیره عنوان میشود، اما این نامگذاری ها در واقع اکنون بازتابی از واقعیت تنوع و افتراق در درون نهضت اسلامی است. علی رغم آن در میان نویسندگان، سیاستمداران ومستشرقین غربی نیز بر سر تعدد و تفاوت در درون نهضت اسلامی و یا جریان اسلام گرایی دیدگاه یکسان وجود ندارد.

الیویه روه نویسنده و مستشرق فرانسوی از دسته بندی نهضت اسلامی به جریانهای اسلامیست، سنتگرا و فوندامنتلیست ورفورمیست سخن میگوید. دانیل پایپز(Daniel Pipes) متولد۱۹۴۹ نویسنده و مؤرخ امریکایی و متخصص تاریخ خاور میانه نیز جریان اسلام گرایی را به اسلام سنتی، میانه رو و اسلام تند رو یا به قول او اسلام نظامی دسته بندی میکند. شگفت آور این است که او مصطفی کمال اتاترک را الگوی میانه روی در جریان اسلام گرایی معرفی میکند؛ در حالی که اتاترک هیچ تعلق و دلبستگی به این جریان نداشت. اما "خیرت ویلدرز" سیاستمدار هالندی رهبر حزب آزادی این کشور(PVV) و "هارتموت کراوس" جامعه شناس و پژوهشگرآلمانی به هیچگونه دسته بندی در درون جریان اسلام گرایی به خصوص به گروه میانه رو در این جریان باور ندارند. ویلدرز تروریزم و افراط گرایی را افکار ملهم و برگرفته از آموزه های اسلام تلقی میکنند. هارتموت کراوس، اسلام را تعالیم و احکام جامع و مطلق در جهت ایجاد یک نظام سیاسی در قالب دین می پندارد که به قول او میتواند نیروی بسیار افراطی را در جهت تشکیل آن نظام سیاسی وارد معرکه جنگ و خشونت کند.

"این گونه نام گذاری ها، پذیرفتنی نیست":

بعضی از احزاب و گروه های نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی و چهره های معروف و صاحب نظر این جریان دسته بندی و نامگذاری را بر مبنای قرائت و دیدگاه متفاوت از اسلام در مورد سیاست و جامعه نمی پذیرند. آنها مقولات بنیادگرایی، افراط گرایی، میانه روی و نوگرایی اسلامی را ساخته و پرداخته مخالفان نهضت های اسلامی به خصوص از سوی غربی ها تلقی میکنند که با بار منفی در مورد نهضت های اسلامی بکار می رود.

دکتریوسف قرضاوی که ریاست اتحادیه جهانی علمای مسلمان را بدوش دارد وبا تألیف ده ها اثر در اموردینی- سیاسی شخصیت تأثیر گذار در جامعه سنی و درمیان جریان اسلام گرایی این جامعه است با این گفته که " این گونه نامگذاری ها پذیرفتنی نیست"، نامگذاری و در واقع دسته بندی را با نام های اسلام سنتی، اسلام بنیادگرا، اسلام تجدد طلب و . . . . توطئه دشمنان اسلام تلقی میکند که در جهت تجزیه و تقسیم اسلام واحد و فراگیر انجام میشود.

کارل ارنست استاد و نویسنده مسلمان و رئیس بخش مطالعات دینی در دانشگاه کارولینای شمالی امریکا و مؤلف کتاب اقتدا به محمد(ص) مقوله بنیاد گرایی را یک مقوله مسیحی میداند که بر مسلمانان تحمیل شده است. به قول او اصطلاح بنیاد گرایی اندکی پس از ۱۹۰۰ در کلوفرنیا به کار برده شد و آن هنگامی بود که یک گروه انجیلی پروتستان، جزوه ای با عنوان "بنیادها" Fundamentalsm حاوی فهرستی از اعتقادات اجباری منتشر ساختند. سپس این مقوله در مطبوعات امریکا و غرب در مورد انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه رهبر آن آیت الله خمینی بکار رفت و اصطلاح بنیاد گرا و اسلامی بصورت تفکیک ناپذیر از سوی رسانه های غربی متداول شد. همچنا ن این نویسنده مسلمان امریکایی میگوید که : "واژه های چون تروریزم و تعصب که برای شریر جلوه دادن مسلمانان بکار میرود در قلب مدرنیته ی اروپا ایجاد شد . این انقلاب فرانسه بود که واژه های تروریزم، تعصب و تحجر را ابداع کرد."

اما برغم تأکید قرآنکریم و سایر منابع اسلام بر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و علی رغم تردید دسته بندی در درون نهضت اسلامی و جریان اسلام گرایی، افکار و عملکرد متفاوت و حتا متعارض احزاب مختلف اسلامی این تفاوت و دسته بندی ها را بازتاب میدهد؛ واقعیتی که در متن نهضت اسلامی تکوین یافته است. ازسوی دیگر بعضی احزاب اسلامی وچهره های شاخص ومعروف نهضت اسلامی حتا دکتر یوسف قرضاوی در واقع دسته بندی را با عبارات و مقولات دیگری درجریان اسلام گرایی می پذیرند و از روش افراط، تفریط و حد وسط یا میانه سخن میگویند. قرضاوی مکتب فکری خود را الوسطیه(حد وسط) می خواند.

احزاب و گروه های اسلامی برغم آنکه همه از نظام و حکومت اسلامی سخن می گویند اما هر کدام با دیدگاه و عملکرد متفاوت، نظام اسلامی را در عرصه های مختلف حیات ترسیم می کنند. از رسیدن به نظام اسلامی تا ارائه پایه ها و چهار چوب تئوریکی نظام و ترسیم عملی آن در جامعه سخن متفاوت و حتا متضاد دارند. مذهب شیعه رهبری یا امامت را در اسلام از ارکان اعتقادی میداند. مذهب سنی به چنین چیزی معتقد نیست. در حالی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت اسلامی شیعه بر مبنای نظریه ولایت فقیه توسط آیت الله خمینی تأسیس یافت، اما برخی از مراجع مذهبی و گروه های دینی- سیاسی شیعه نظریه ولایت فقیه را از دیدگاه مذهب شیعه تردید میکنند. بعضی احزاب اسلامی انتخابات را برای تعین رهبری نامشروع می پندارند و برخی آنرا جایز میدانند. شماری برای تشکیل دولت اسلامی به شمشیر و جنگ متوسل می شوند و راه ترور و خشونت را به عنوان جهاد با کافران و بازگشت به اسلام در پیش می گیرند و بعضی سیاست میانه روی و مدارا بر می گزینند. بعضی از احزاب و گروه های اسلامی با پذیرش دموکراسی و پلورالیزم حتا باور به سکولاریزم سیاسی را به نمایش میگذارند.

با توجه به این واقعیت ها، نهضت اسلامی را به مثابه ی یک نهضت دینی- سیاسی از منظر قرائت و برداشت آنها از اسلام در عرصه سیاسی و در عنایت به افکار و عملکرد شان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره به گروه های مختلف و متعدد میتوان دسته بندی کرد. اگر به جریان اسلام گرایی از زوایای متذکره نگاه شود در کل میتوان چهارگرایش و در واقع چهار نوع نهضت اسلامی- سیاسی را مشخص کرد. اما در جزئیات و با توجه به تفاوت برداشت ها و دیدگاه های عناصر و حلقه های فعال و شاخص در درون این چهار گرایش، دسته بندی های متعدد و مختلف دیگر در هر یک این گرایشها قابل مشاهده است. از سوی دیگر رفت و آمد افراد از لحاظ فکری در این گروه ها حالت متغیر و نوسانی دارد.

نمایندگان مردم به داد مردم...

در نبود امنیت افغانستان به طور کل نمی تواند راه های توسعه را بپیماید. شهروندان افغانستان در نبود امنیت بی کار و بی روز گار می شوند و در نتیجه فقر و ناداری انسان های این سرزمین را به کام مرگ تدریجی می کشاند.

مجلس نمایندگان به عنوان بخش این نظام باید به این امر اولویت داده از طریق فشار و نظارت بر دولت و گفتگو با نیروهای خارجی امنیت و ثبات را به گستردگی آن، به زندگی مردم بر گردانند. خصوصاً وقتی دیده می شود که به طور فزایندهٔ حملات راکتی و انتحاری مخالفان زیاد شده می رود و مردم افغانستان شاهد قربانی بهترین فرزاندان این کشور هستند و بخشی از این خاک به طور علنی در شرق کشور مورد آماج حملات راکتی همسایه شرقی قرار می گیرد، انتظار مردم از نمایندگان این است که به این مسایل ملی عطف توجه نموده جلو آن را از راه ممکن بگیرند.

موضوع امنیت در حالی به یک دغدغهٔ کلان ملی و بین المللی تبدیل شده است که قوت های خارجی در حال سفر بری از این کشور می باشند و پس از سال ۲۰۱۴ که وقت کم مانده سربازان کشورهای خارجی به خانه های خود بر می گردند. طبق یک گزارش اکثر این کشور ها وسایل رزمی و

مهماتی که با خود آورده بودند یا با خود می برند و یاهم تخریب می کنند و یا هم گفته می شود به یکی از کشور های همسایه دیپو می نمایند و به دسترس نیروهای امنیتی افغانستان قرار نمی دهند. موضوع که واکنش نمایندگان مردم را طی هفتهٔ گذشته بر انگیخت و به آن اعتراض نمودند.

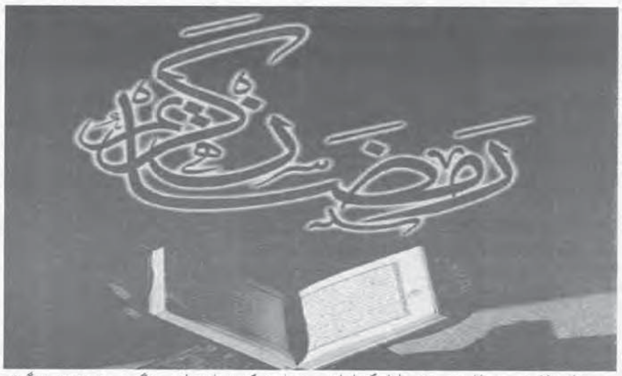
مبارزه با فساد:

دومین اولویت کاری این مجلس، مبارزه با فساد در کشور می باشد. فساد اداری افغانستان را به سطح ملی و بین المللی بدنام ساخته است، گپ به جایی رسیده است که جامعهٔ جهانی کمک های خود را نیز مشروط به شرط ساخته است. و آن این که مبارزهٔ قاطع حکومت افغانستان با فساد می باشد. این در حالیست که حکومت افغانستان همواره دوستان بین المللی خود را متهم ساخته است که بخش عمدهٔ فساد توسط آنان صورت می گیرد. روی هم رفته از این که فرصت بازدید از مناطق مختلف به نمایندگان در رخصتی های یک ماهه مهیا گردید، بدون شک موجودیت فساد را در ابعاد آن درک نموده اند، بنا برآن نمایندگان از طریق چانه زنی ها و کار مشترک با حکومت و نهادهای که در این عرصه فعال اند، می توانند در زدودن و امحای فساد اداری نقش بازی کنند.

مبارزه با فساد از نمایندگان در حالی مطرح است که اتهام فساد بالای نمایندگان نیز موجود است. به باور برخی از آگاهان تعداد زیادی از نمایندگان مردم در فساد اداری، رشوه ستانی های کلان، ص۷

روژه د نفس د تزکیې میاشت

آخند زاده



د اسلام د سپیڅلی دین ټول احکام او تعلیمات د انسان جوړوني هغه اصول دي چې په پرکتدمې انسان له مادي وجود څخه په یو معنوي مخلوق بدلوي او په انسان کې د الله د بندگۍ، انسان دوستۍ او خواخوږۍ د پیداکولو لپاره ستري اغیزې پریږدي. چې د دغو عباداتو او اسلامي ارکانو څخه روژه هغه عبادت دی چې د انسان جوړوني او د پورته یادوشوو اهدافو د لاسته راوړلو لپاره یو مؤثر عملی کورس او مدرسه ده، ځکه هر کله چې یو مسلمان د الهي حکم پر بنیاد پوره یوه میاشت هره ورځ د سهار له سپیده داغ څخه د لمر تر ډوبیدو (ماښام) پورې ځان له خوراک، څښاک او جنسي غریزې له پوره کولو څخه بندو ساتي او سره ددې چې په کورکې یې دغه گردواړه سهولتونه او ستر نعمتونه موجود اوسي خو د الله د حکم د پیروۍ پر بنیاد ورڅخه گټه نه پورته کوي نو دغه عمل د انسان نفس پاکوي او روح یې تغذیه کوي، ځکه د انساني غرایزو ډیربښت او ود، هغه وخت صورت مومي چې انسان په گیډه موړ او د ژوند له خوراکي نعمتونو څخه پریمانه استفاده کوي او چې کله انسان د خوراک او څښاک دغه عملیه په یو ځانگړي رژیم وگرځوي او خپل خوراک او څښاک او... تر ماښامه پورې پریږدي نو د انسان روحی پیاوړی کیږي او مادي رنگ یې د معنوي رنگ تر اغیز لاندې راځي او د ملایکو په څېر د بندگۍ روحیه یې ځانگړنه گرځي هغه مخلوق چې د ژوند ره لحظه یې د الله بندگي ده او له مادي تمایلاتو څخه خلاص مخلوق دی.

دا چې اسلام خپلو پېروانو ته د شهواني غریزې له غالیوالي څخه د خلاصون لپاره د روژې نیولو سپارښتنه کوي او په حدیث شریف کې راځي چې څوک چې د نکاح د غوښتنو توان ولري نو باید نکاح و کړي او که پرې قادر نشي نو بیا دې روژه ونیسي دا دي لپاره ده چې د روژه ي په نیولو سره انسان د نفس له بندگۍ څخه او د شهواني غریزې له غالبیدو څخه خلاصیږي چې د گېډې ډکوالي او په پریمانه توگه خوراک او څښاک یې ډیروي نو اسلام د همدغه حکمت له مخې د روژې د نیولو حکم کوي او کال کې یوه میاشت فرضي روژه هغه غوره تربیتي کورس دی چې په مسلمان کې د الله جل جلاله سره د اړیکو د پیداکولو او بندگۍ کولو روحیه پیاوړي کوي او د نفس د غوښتنو څخه د خلاصون لیار ورښایي او د یوې میاشتې دغه تربیتي کورس له پوره کیدو وروسته مسلمان ته دومره ایماني قوت وربخښي چې د بل کال تر راتگه پورې ورڅخه انسان معنوي انرژي اخلي او د الهي حکمونو څخه د پیروۍ په لیاریې برابر ساتي، له همدې امله د اسلام پیغمبر د روژې د مبارکې میاشتې لومړنی لس ورځې د رحمت ورځې بللې او وریسې لس ورځې یې د گناهونو څخه د بخښې او وروستی ورځې د جهنم له اور څخه د خلاصون ورځې گڼلې، ځکه لومړنی لس ورځې د وریسې ورځو لپاره لکه دیو تعلیمي نظام لومړنی دوره او منځنی او وروستی دورې دي چې مخکینی د وریسی او وروستی ورځو لپاره مقدمه ده او اړینې گڼل کیږي. خو انسان هغه وخت د دغې مبارکې میاشت اغیز په خپل ځان کې لیدلي شي چې د روژې معنا په خپل ځان کې پیداکړي یعنې دا چې روژه یوازې د خوراک او څښاک څخه دځولې د بندولو نوم ندی بلکې روژه له انسان څخه غواړي چې د روژې په میاشت کې لکه له خوراک او څښاک څخه باید ځان وساتي په همدې توگه باید د ناروا او وینا، بیهوده او پوچو خبرو او هر هغه ناروا عمل او کړنې څخه ځان وژغوري چې اسلام ناروا کړي او مسلمان یې ورڅخه په ځان ژغورلو مکلف گرځولی دی.

لکه درواغ ویل غیبت او چغلی کول، ښکنځل او خلکوته بدویل، له مسلمانانو سره دښمني او جگړه کول، کینه لرل او خیانت او غلا کول او د ناروا او آوریدل او د حرامو د مرتکب کېدو په محافلو او مجلسونوکې گډون کول او داسې نورو ټولو ناروا کړنو څخه د ځان ژغورلو عمل ته روژه وایې.

نو الله جل جلاله دې وکړي چې مونږ مسلمانانو د روژې مفهوم وپیژنو او په ریښتوني معنا روژه نیوونکي وگرځو څو د دغې ستري فریضې نفسي او ټولنیزې آغیزې زمونږ په خپل ذات او خویونوکې موجودشي او په نظر راشي او دغه میاشت د مسلمان جوړیدنې یوعملي کورس وگڼو چې په ریښتیا کې راتلونکی ټول کال خپل ژوند برابر کړو او هغو حکمتونو او هدفونو ته خانونه ورسوو چې د روژې د فریضې ترشا الله جل جلاله گرځولې او د هغو د تحقق لپاره یې روژه فرض گرځولې ده؟ ځکه زمونږ روژه دغه فلسفه او حکمتونه لاسته رانه وړي نو بیا هسې خولې ته دکوري اچولو اړتیا نشته او الله جل جلاله دغه ډول عمل ته ثواب هم نه ورکوي.

وضعیت تحصیلات عالی ...

حکومت طالبان همان تداوم جریان بلوک شرق بود که تره کی و امین آن را رهبری می نمود. هر دو از افراط بهره می گرفتند و هر دو سیستم در آرمان گرایی های خود چنان غرق بودند که معیار همه چیز را ذوق و سلیقهٔ آنها تشکیل می داد، نه واقعیت های قرن بیست.

اما در حکومت پس از بن (۲۰۰۱م) تحصیلات عالی از نظر کمیت رشد بلند داشته است؛ طوری که همین اکنون ۳۱ دانشگاه دولتی و ۶۰ موسسه تحصیلات عالی خصوصی در کشور وجود دارد که پیشتر از ۵۰ هزار دانشجو را در خود جا داده است. انصافاً باید گفت که در ظرف ده سال گذشته توجه چندانی به تحصیلات عالی نشده است، به رنگ نمونه دانشگاه کابل به مثابهٔ دانشگاه مادر، نتوانست مقام علمی را که این پوهنتون در سال ۱۳۵۶ برای خود کمایی کرده بود، دوباره به دست آورد. در پوهنتون های اطراف کشور استادان که از ظرفیت بلندی تخصصی و مسلکی برخورد دار باشند، وجود ندارد. از سوی دیگر جریان تقرر در تحصیلات عالی چنان مشکل آفرین است که داوطلب ورود به این دانشگاه ها، باید از هفتخوان رستم بگذرد تا در این قفس طلایی داخل گردد. با دیپارتمنت های علوم اجتماعی؛ مثل: عربی، پشتو، دری، علوم اجتماعی، فلسفه، تاریخ و غیره کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ظرف ده سال این حکومت قادر نگردیده است تا توامیت های گذشته خود را با کشور ها، در مورد تحصیلات عالی به دست آورد. در تحصیلات عالی سیمیناری تحت عنوان ***(وضعیت موجود، فرصت ها، چالش ها، راه های بیرون رفت و نظارت بر فعالیت موسسات تحصیلات عالی خصوصی)*** در کابل طی هفتهٔ گذشته دایر گردید و این سیمینار پیرامون ایجاد برنامهٔ ماستری در برخی از این موسسات تحصیلات عالی به بحث پرداخت. این سیمینار بیشتر روی امکانات این موسسات مکث نمود و این سیمینار خواسته است تا برنامهٔ ماستری را در موسسات تحصیلات عالی خصوصی رسانه یی سازد. در حالی که قدیم ترین برنامهٔ ماستری را فاکولته ادبیات دانشگاه کابل در سال ۱۳۵۵ به راه انداخت و بعد از چند سال دوباره در سال ۱۳۶۸ دوباره تدویر نمود و این برنامه در سال ۱۳۸۴ دوباره از سر گرفته شد. اکنون در پوهنتون کابل برنامه های ماستری در فاکولته شرعیات، رشتهٔ فزیک فاکولته ساینس و چند برنامهٔ ماستری در پوهنتون تعلیم و تربیه از سوی برنامه های انکشافی ایالات متحدهٔ امریکا برای تربیه معلم و ماستری در رشته انگلیسی در جریان است، که یک دستآورد خوب در تحصیلات عالی کشور می باشد. همچنان دانشگاه آزاد تهران برنامه های ماستری را در شهر کابل به راه انداخته است که تعدادی از جوانان ما مصروف تحصیلات ماستری در این دانشگاه می باشند. اما تعدادی از موسسات تحصیلات عالی خصوصی از ظرفیت بلندی برخورد دار می باشد و تعدادی چنین ظرفیت را در خود ندارد.

در موسسات تحصیلات عالی خصوصی تا هنوز نصاب واحد نه تنها در میان پوهنتون های دولتی؛ بلکه در میان موسسات تحصیلات عالی خصوصی وجود ندارد. در موسسات تحصیلات عالی خصوصی بسیاری از استادان بر خلاف رشته تدریس می نمایند و شاگردان را با کمترین نمرات به این موسسات می پذیرند. در این موسسات ناکامی کمتر وجود دارد، درس های تطبیقی و عملی در انجنیری، طب، ژورنالیزم و .... کمتر دیده می شود. این موسسات خصوصی پیش از آنکه به انتقال علوم و تکنالوژی بپردازد به یک مرکز انتفاعی تبدیل گردیده است. این سیمینار مانند سائر سیمینار ها جز اینکه افکار عامه را برای چند روز به خود مشغول سازد، دیگر کاری از پیش نخواهد برد و بعد از مدت به فراموشی سپرده خواهد شد، در حالی که در برنامه های ماستری دانشگاه کابل موانع زیادی وجود دارد و جای دارد که از مجموع استادان نخبه از دانشگاه های دولتی و خصوصی برنامه های ماستری را روی دست گرفت و ظرفیت این برنامه را بالا برد؛ زیرا برنامهٔ ماستری از خود تخصص بلندهٔ بودجهٔ مستقل، کتابخانه، شرایط مناسب تحقیق و غیره را مطالبه می نماید. هر نوع برنامهٔ شتاب زده و بدون تحقیق نتیجهٔ ثمر بخش به بار نخواهد آورد. در حالی که وزیر تحصیلات عالی در این سیمینار از انکشاف بی رویهٔ موسسات خصوصی سخن گفت و اصرار کرد که قرار است این موسسات تحصیلات عالی خصوصی از کنترول خارج گردد ؛ اما در گام نخست باید تفاوت نصاب درسی در پوهنتون های دولتی و خصوصی از میان برداشته شود و نخبگان کشور به دانشگاه های دولتی و خصوصی بدون درنظرداشت قوم و زبان فراخوانده شود.

این گمان نیز وجود دارد که خدای ناخواسته برنامه های ماستری مانند موسسات عالی خصوصی فراگیر گردد و مانند سائر موسسات عالی خصوصی به یک منبع درآمد برای دست اندران کاران آن تبدیل گردد. هستند موسسات تحصیلات خصوصی که از ظرفیت بلند برخوردار می باشد، در گام نخست باید این ظرفیت ها تشخیص گردد و بعد از آن برنامه های ماستری روی دست گرفته شود.

نمایندگان مردم به داد مردم...

ادامه از صفحهٔ ۶

معاملات پشت پرده، بارده های بالایی حکومت دست دارند. اما روی هم رفته مجلس نمایندگان به عنوان یگانه مرجعی که امید مردم به آن باقی مانده است، می توانند با نظارت از کارکردهای حکومت که از وظایف اصلی شان نیز است به این امیدواری تا حدی پاسخ بگویند.

یکی از آجنداهای مجلس نمایندگان بعد از گذشتاندن رخصتی تابستانی، در ارتباط ناامنی های اخیر به خصوص حادثهٔ دلخراش ایبک مرکز ولایت سمنگان بود که در انفجار انتحاری احمد خان سمنگانی با بیش از بیست تن شهید و حدود شصت تن دیگر جراحت برداشتند. در پیوند با این ناامنی ها به پیشنهاد تعدادی از نمایندگان قرار براین بود تا وزرای داخله، دفاع و رئیس عمومی امنیت ملی جهت استیضاح به مجلس نمایندگان فراخوانده شوند که برخی نمایندگان مجلس، هیأت اداری مجلس نمایندگان را به اتهام عدم استیضاح سران نیروهای امنیتی متهم می نمایند و همچنان اظهار می دارند که لست طرفداران استیضاح را به امنیت ملی پیشکش نموده اند که چنین عملکردها، تنش هایی را میان نمایندگان ایجاد و فضای بی باوری را به میان آورده است.

مبارزه با فقر:

افغانستان در پهلوی سایر نارسایی ها یکی از کشورهای فقیر در منطقه است. با آنکه از رشد ۵ درصد اقتصاد حرف زده شده است، اما ۸۰ در صد مردم تا هنوز زیر خط فقر زندگی می کنند و عاید سرانه شان کمتر از ۵۰ دالر در ماه است.

نبودکار و اشتغال در اطراف، با گذشت هر روز مردم را فقیر تر ساخته است. این امر باعث شده است همه ساله خصوصاً با آغاز فصل خزان خانواده ها به شهرها به امید یافتن کار و مزدوری با مزد اندک به شهر ها روی آرند. از این که زندگی مردم روستا به اقتصاد تک محصولی (مالداری و کشاورزی) بستگی دارد، در پایان هر سال مردم روستا ها از رشد در آمد و محصول به دست آمده از این ناحیه محاسبه دارند. وقتی محاسبه در پایین ترین نقطه قرار داشته باشد، از بیم مرگ و فقر جانکاه دست به مهاجرت می زنند. این مهاجرت های پرخطر، گاهی هم به مقصد معلوم و گاهی نامعلوم صورت می گیرد.

در این میان جوانان و مجردها بیشتر ترجیح می دهند که به مقصد یافتن یک کار ولو شاقه به کشورهای همسایه از جمله ایران بروند. جایی که رسیدن به آن همراه با مرگ و کار کردن در آن جا همراه با توهین کردن ها و زخم زبان ها می باشد.

سایر چالش ها:

مشکلات افغانستان به شاخص های امنیت، فساد، بیکاری، میزان پایین درآمد، خلاصه نمی گردد، بلکه مافیای قدرت، مواد مخدر، باندهای سازماندهی شده و خراب کار، نبود نظام بهینه تحصیلی و بهداشت، نبود راه های اکمالاتی... همه مسایلی اند که مردم افغانستان را در حال حاضر به محاصره گرفته است.

بر نمایندگان مردم است که همراه با بازیگران ملی و بین المللی در امر چاره جویی، رفاه و آسایش مردم گام بردارند. درغیر آن کرسی پارلمان اگر خوشایند و پر ذایقه هم باشد، طعم تلخ نیز دارد و روزی پاسخ خواهند گفت.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۸) ۷ اسد ۱۳۹۱ ۹ رمضان المبارک ۱۴۳۳ - 28 July 2012

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

وضعیت تحصیلات عالی در کشور



تا هنوز نصاب واحد نه تنها در میان پوهنتون های دولتی؛ بلکه در میان موسسات تحصیلات عالی خصوصی وجود ندارد. در موسسات تحصیلات عالی خصوصی بسیاری از استادان بر خلاف رشته تدریس می نمایند.

بنای تحصیلات عالی به سال ۱۳۱۱هجری بر می گردد، که با ایجاد فاکولتهٔ طب، تحصیلات مدرن به شیوهٔ کشور های اروپایی، به فعالیت آغاز نمود. پوهنتون کابل، نخستین پوهنتون در کشور است که از شهرت بلند بر خورد دار بود، این دانشگاه با کشور های ایران، هند و کشور های عربی همسری می کرد و توأمیت های با کشور های هند، ایران، مصر، ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان و کشور های مختلف اروپایی، در دهه های ۵۰ و ۶۰ برقرار نموده بود. استادان در مقاطع معین با این کشور ها در آمد و شد بودند، بورسیه ها به طور منظم برای استادان در نظر گرفته می شد؛ اما این دانشگاه شاهد تلخی های سقوط عظمت خویش نیز بوده است. حزب دموکراتیک، در سال ۱۳۵۷ ضربهٔ شدیدی به دانشگاه های کشور وارد کرد و تحصیلات عالی را در حد تام تنزل داد. روابط علمی با کشور ها قطع شد، دیگر از کشور های اروپایی، امریکایی و عربی خبری نبود؛ زیرا این حزب، این کشور ها را به چشم دشمن می نگریست. سیستم تک حزبی و گرایش به کشور شوروی سابق دانشگاه ها را در افغانستان از نظر علم و پیشرفت خالی کرد. برای دولت اسلامی فرصت کار های اساسی داده نشد و عمر این حاکمیت به دفاع از سرزمین سپری شد و نظام طالبانی خواست تا نظام مدرن تدریس و انتقال علوم در دانشگاه ها را از میان بردارد و جریان تدریس با همان شیوهٔ کلاسیک در مدارس دینی خلاصه می گردید و با متخصصان عرصه های علوم با دیده شک و تردید می نگریستند و برای متخصصان رشته های علوم کار و اشتغال وجود نداشت و این متخصصان را از رهبری و مدیریت کشور دور نگه می داشتند، تمام تلاش های طالبان از میان برداشتن معیار های آموزش و پرورش جدید و تحصیلات عالی در کشور بود. در آغاز حاکمیت طالبان از دانشگاه کابل، نخبه ترین آنها در حدود ۸۳ تن از کدر علمی به بهانه های مختلف، بیرون ساخته شدند، از نظر شیوهٔ برخورد و مدیریت،

ص۷

د مهاجرینو د ویستلو پریکړه او د نړیوالې ټولنې او افغان حکومت دندې

رفیق بحر



پدې وروستیوکې د پاکستان حکومت اعلان وکړ چې د روان میلادي کال تر پایه به نور د افغاني مهاجرینو د کارتونو قانونیت ختم شي او د نوي میلادي کال له رابره کېدو سره به نور هیڅ افغان د مهاجر په توګه به خپل هیواد کې ونه ساتي.

د پاکستان دحکومت وروستی، پریکړه دا په ډاګه کوي چې د مئ دمیاشتې تر ټاکلې نیټې وروسته به نه یوازي هغه مهاجرین ناقانونه ګڼل کیږي چې کارتونه یې نه لرل (او پدي لړکې دغه هیواد د نا اندراج شوو مهاجرینو په راویستلواو تنګولو پیل هم کړي وو چې بیا په کې د مهاجرینو د نړیوال سازمان د نمایندګی، او افغان حکومت په هیله یو څه آساني راوستلی شوې وه) بلکې کوم مهاجرین چې کارتونه لري د روان میلادي کال تر پایه به د هغوی د کارتونو قانونیت هم ختمیږي او پاکستان به دوی ته بیا دغه کارتونه د دریو نورو کلونو لپاره تمدید نکړي چې په هکله یې د افغانستان حکومت د مهاجرینو چارو وزارت طمع لري؛ پداسې حال کې چې پدې هکله یې لا تر اوسه

کوم ګوتلی ګام ندی اوچت کړي.

هسې خو پاکستان او ایران دواړه ګاونډي هیوادونه تل داسې دریځونه د افغانستان په دولت باندې د یو فشار راوړلو په توګه نیسي او د خوږې ګوتې څخه د نیولو حربه کاروي. خو که نړیوالو مرستو ته وکتلی شي نو د مهاجرینو ځاې پر ځاې کول هم کوم ناشونی کار ندی؛ ځکه که له دغو مرستو څخه یو میلیارد ډالر هم د مهاجرینو په خپل هیواد کې په میشتولو لګیدلي واي نو دغه د خوږې ګوتې معما به نن حل وه خو بدمرغي داده چې پدې هیواد کې د اداري فساد بلاء د هرې اداري بودیجه خوړلې ده او لکه چې په نورو ادارو کې پلان شوي کارونه ندي ترسره شوي، همداسې د مهاجرینو په بیرته راستنولو کې هم بې تفاوتیو او فسادونو د پاکستان او ایران حکومتونو ته دغه وسله په لاس کې ورکړې ده چې کله یې هم له تیکې راوباسي نو د افغان دولت لینګې وریږې که چیرې پدغه دولت کې د با دردو او پاکو افغانانو ځاې په ځاې کولو او په ځانګړې توګه د مهاجرینو په لړ کې ددې پروسې لپاره د با دیانتو او خبیرو خلکو ګمارنه ترسره شوې واې نن به پاکستان دا وسله نشوه کارولاې. خو (چې ورانه ده نو له خانه ده) د اداري فساد بلاء که په خپل وخت مړه شوې واې او د مهاجرینو د چارو وزارت او د حکومت په مجموع کې پالیسی جوړونکو په اخلاص دې موضوع ته اهمیت ورکړې واې نو لس کلونه موده کمه موده نه وه اوس به زمونږ ډیرې هیوادوال خپل هیواد ته راستانه شوي واې.

خیر اوس هم وخت دی چې افغان دولت پدې هکله جدي ګام اوچت کړي او نړیواله ټولنه د مهاجرینو د راستنیدو په لړ کې کومکونو ته وهڅوي څو داسې پلانونه وضع کړاې شي او عملي کړاې شي چې د مهاجرینو ستونزه حل کړي. او له بلې خوا د افغان دولت او د دولت د مخالفینو سربیره د افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو د وتلو په لړ کې د نړیوالې ټولنې او امریکا لخوا په رینښتوني توګه د سولې په لورې ګام اوچتولو کې د سولې په وړاندې د موجودو خنډونو په لیرې کولو سره د رینښتوني سولې لپاره زمینه برابره شي او د ټولنیزو عواملو ترڅنګه هغه سیاسي عوامل هم لرې کړاې شي چې د ډیرو مهاجرینو خپل هیواد ته د ستنیدو په مخ کې خنډ واقع کیږي پدې ترتیب به افغان دولت به وکولاې شي چې د ټولو مهاجرینو باور حاصل کړي او د افغان دولت د اوسني هویت سره د سیاسي مخالفت په بنیاد به څوك نور په خپل مهاجرت ساتلو ټینګار نه کوي نو پدې لړ کې د هر ډول ټولنیزو، اقتصادي او سیاسي خنډونو پورته کول د دریوارو لوریو ګډه دنده ده او که چیرې دغه مطلوب ګامونه اوچت نکړاې شي نو نه به ټول افغان مهاجرین خپل هیواد ته راستانه شي او نه به په داخل کې د دولت رینښتوني سیاسي مخالفین د افغانستان د اوسني حکومت سره همکاري وکړي.

نیروهای آیساف برای نخستین بار حملات موشکی پاکستان را تقبیح کرد

اندیشه

نیروهای بین المللی کمک به امنیت یا آیساف حملات راکتی از خاک پاکستان را به داخل افغانستان برای نخستین بار تقبیح کرده است. در اعلامیهٔ آیساف آمده است که این نیروها به هدف توقف این حملات یک جا با وزارت دفاع افغانستان و حکومت پاکستان کار می کند.

این در حالی است که دو روز قبل، شبکهٔ نهادهای مدنی افغانستان از حکومت خواست تا این مسئله را جدی بگیرد و آن را رسماً به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع کند.

وزارت خارجهٔ افغانستان در اواخر هفتهٔ که گذشت، سفیر پاکستان در افغانستان را به ارتباط حملات راکتی این کشور فرا خواند و مراتب نگرانی افغانستان را به جانب پاکستان بیان داشت. جاوید لودین معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان در دیدار با محمد صادق سفیر پاکستان در کابل گفت که ادامهٔ چنین حملات، روابط دو جانبه را به شمول امنیت منطقه یی، تجارت و مسایل مربوط به صلح به شدت صدمه می زند.

با آنکه گفته می شود اردوی پاکستان در عقب این حملات راکتی قرار دارد، اما مقام های نظامی پاکستان این را رد کرده اند. ولایت کنر جایی است که حد اقل طی یک سال گذشته صدها راکت از آن سوی سرحد بر آن اصابت کرده است.

فضل الله واحدی والی این ولایت در تماس با رسانه هاگفت است که، ظرف چهارماه گذشته نزدیک به دو هزار راکت بر مناطق مختلف این ولایت از جمله ولسوالی های شیگل و دانگام اصابت کرده اند.

در حملات راکتی پاکستان، چندین غیرنظامیان کشته و زیان های مالی زیادی هم به مردم محل رسیده است. مقامات محلی گفته اند، تاکنون، هزاران تن از باشنده های چند قریه در ولایت کنر، پس از حملات راکتی از داخل پاکستان، از خانه های خود بیجا شدند. تقبیح این حملات راکتی از سوی آیساف در حالی صورت می گیرد که نیروهای بین المللی در کنر دریافته بودند که این راکت ها ساخت پاکستان اند. اکنون در اعلامیهٔ آیساف آمده است که، کمسیون مشترک سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و آیساف این زمینه را فراهم می سازد تا روی موضوعات مختلف از مسایل تاکتیکی گرفته تا عملیاتی و ستراتیژیک بحث صورت بگیرد.

براساس این اعلامیه، بحث های جاری اهمیت کار مشترک در مورد فرصت ها و مشکلات را برملا می سازد که افغانستان در روزها، ماه ها و سال های آینده با آن رو به رو خواهد بود. حملات راکتی پاکستان درحالی از سر گرفته می شود که نخست وزیر این کشور، همراه با یک هیأت عالی رتبه به کابل سفر نموده و از همکاری های جانبه در عرصه های مختلف خبرداد. طبق گزارش ها شدت حملات وقتی بالا رفت که نخست وزیر پاکستان در کابل به سر می برد. کارشناسان امور اردو و استخبارات این کشور را مسؤول این گونه رخدادها می دانند. اما راجاپرویز اشرف به صراحت درکابل گفت که، این نهاد ها بخشی از نظام هستند و نمی تواند این گونه اتهامات را بپذیرد.